اسلام در نیجریه

مزروعی، محمد حسن

مقدمه

1-تاریخچه مذهب

مردم آفریقاى سیاه از قدیم الایام مردمى مذهبى بوده‏اند-براى اثبات این امر نواحى‏اى که هنوز به صورت بدوى و ابتدایى زندگى مى‏کنند مى‏تواند مورد استناد قرار گیرد-و این روحیه مذهبى در قالب بت پرستى ظهور و نمود داشته است که هنوز آثار آن در کشورهاى آفریقاى غربى وجود دارد به طورى که در نیجریه هنوز حدود 10%مردم بت پرستند.همین روحیه مذهبى مردم آفریقاى سیاه باعث شده است که آنها آمادگى لازم را جهت پذیرش ادیان توحیدى داشته باشند.به همین دلیل مشاهده مى‏شود که به محض ورود پیام اسلام و سپس مسیحیت به این سرزمین خیل کثیرى از مردم آفریقاى سیاه به سوى این دو مذهب کشیده شوند و هم اکنون اکثریت مطلق مردم آفریقاى سیاه به دو مذهب اسلام و مسیحیت گرویده‏اند، که این امر در کشور نیجریه-بزرگترین و پر جمعیت‏ترین کشور در غرب آفریقا-نیز وجود دارد بطورى که هم اکنون طبق آمار غیر رسمى حدود 60%مردم نیجریه مسلمان، 30%مسیحى و 10%بت پرست مى‏باشند.

2-تاریخ نفوذ اسلام در نیجریه

ورود اسلام به نیجریه از طریق شمال آفریقا خصوصا سودان و صحراى غربى به وسیله تجار مسلمان در قرن هفتم ه.ق صورت گرفت، بدین صورت که افراد قبیله«هاوسا»-یکى از بزرگترین قبیله‏هاى ساکن در آفریقاى غربى-در اثر ارتباط با تجار مسلمان به سوى اسلام گرایش یافته و آنرا پذیرفتند.به دنبال پذیرش اسلام از طرف مردم هاوسا، اسلام خیلى سریع در سرتاسر نواحى شمال نیجریه گسترش یافت و قبیله‏هاى دیگرى که در این ناحیه به سر مى‏بردند به دین اسلام گرویدند که مى‏توان از قبیله فولانى- دومین قبیله قدرتمند شمال نیجریه-نام برد.به دلیل همین سابقه تاریخى، افراد دو قبیله هاوسا و فولانى خود را پرچمدار اسلام در نیجریه مى‏دانند و خود شدیدا به اسلام و سنتهاى اسلامى وفا دارند.این سابقه تاریخى و همبستگى دینى و فکرى در مردم شمال نیجریه باعث شد که در دو قرن پیش عالمى به نام شیخ عثمان دن فودیو بنیان گذار یک حرکت اسلامى در این ناحیه از سرزمین آفریقاى غربى شود، سرانجام این حرکت اسلامى موفق به درهم شکستن قدرتهاى پادشاهى محلى و تأسیس یک خلافت اسلامى شد.این خلافت که به مدت صد سال دوام آورد، بالاخره با هجوم استعمارگران انگلیسى به سرزمین شمال نیجریه درهم شکسته شد.

قیام اسلامى به رهبرى شیخ عثمان دن فودیو و تشکیل خلافت اسلامى، یکى از فرازهاى حساس تاریخ مسلمانان غرب افریقا و خصوصا نیجریه است.شرح و تحلیل این قیام و جهاد توسط مسلمانان به رهبرى یک عالم و روحانى بزرگ در قرن دوازدهم ه.ق(هجدهم میلادى)در غرب آفریقا دانست به عنوان یکى از حرکت‏هاى جهادى قرون اخیر مسلمانان علیه استبداد و استعمار به شمار آید.بازشناسى این قیام تاریخى و احیاى شخصیت شیخ عثمان دن فودیو و آثار او مى‏تواند بیانگر قدرت و عظمت اسلام و نقش روحانیون دینى در غرب آفریقا باشد و با اینکه حدود دو قرن از قیام اسلامى شیخ عثمان دن فودیو مى‏گذرد و خصوصا در قرن اخیر استعمار تلاش فراوان کرده است که خاطره این قیام اسلامى را از ذهن مسلمانان به‏در آورد اما هنوز مردم مسلمان غرب آفریقا و خصوصا مردم شمال نیجریه خاطره این قیام عظیم را فراموش نکرده‏اند و نام شیخ عثمان دن فودیو براى آنها یادآور عظمت اسلام و مسلمین در این سرزمین مى‏باشد.اما با کمال تأسف باید گفت:با اینکه مسلمانان غرب آفریقا خاطره این قیام و رهبر آنرا فراموش نکرده‏اند اما شناخت عمیق و درستى از آن ندارند و به دلایل چندى درس آموزى از این قیام و رهبر آنرا به فراموشى سپرده‏اند.از آنجا که این قیام تاریخى نه تنها مى‏تواند براى مسلمانان غرب آفریقا بلکه براى تمام مسلمانان عالم آموزنده و عبرت انگیز باشد و نشانه‏اى از عظمت اسلام در مقابله با ظلم و استبداد و استعمار، و از آنجایى که در سایه پیروزى انقلاب اسلامى به رهبرى حضرت امام، ما توانسته‏ایم خود را بیشتر و بیشتر با دیگر مسلمانان عالم پیوند دهیم و در این مسیر پیوند با مسلمانان آفریقاى سیاه به ما این فرصت را داده است تا از گذشته تاریخى مسلمانان این ناحیه مطلع شویم و به بررسى و ارائه تاریخ بپردازیم و بطور اختصار آنچه را به دست آورده‏ایم در اختیار مردم صاحبنظر قرار دهیم.به امید آنکه ارائه این مطلب جرقه‏اى باشد در دل عالمان و محققان براى ارائه مطالب بهتر و غنى‏تر.

3-خلافت اسلامى سوکوتو

از آنجا که رهبرى، نقش اساسى را در یک حرکت اجتماعى به عهده دارد و با شناخت رهبر مى‏توان به سمت و جهت کلى حرکت اجتماعى پى برد، ابتدا به ارائه زندگینامه شیخ عثمان بن فودیو پرداخته و سپس وارد اصل موضوع یعنى بررسى قیام اسلامى شیخ و تأسیس خلافت اسلامى مى‏شویم.

4-بیوگرافى شیخ عثمان دن فودیو(یادن فودى): 1

عثمان بن محمد فودى بن عثمان که عموما به نام دن فودیو و لقب شیخ شناخته مى‏شود در سال 1168 ه.ق(1754 م)در قریه‏اى به نام ماراتا در منطقه غلمى 2 که زیر سلطه سلطان گوبر بوده است، در میان قبیله فولانى پا به دنیا گذاشت.شیخ در سنین کودکى آموزش و حفظ قرآن را نزد پدر شروع کرد، سپس براى کسب علوم دینى به نزد مشهورترین علماى زمانش شتافت و سرانجام درس فقه مالکى را در حضور داعى کبیر بن عمر بزرگترین عالم غرب آفریقا فرا گرفت، در حالى که در همین دوران مراحل عالى تصوف طریقه قادریه را طى نمود و به لقب شیخ نایل شد.هنگامى که شیخ در جمیع علوم عربى و اسلامى بحد کمال رسید رسالت بزرگ تبلیغى و دینى خود را شروع کرد و در سایه تلاشهاى مستمر خود به رشد آگاهیهاى اسلامى در میان مردم پرداخت و سرانجام با رهبرى خود، مردم را به قیام علیه سلطه سلاطین حاکم واداشت و با سرنگونى آنان خلافت اسلامى سوکوتو را بنیان گذارى کرد.شیخ مدت 14 سال رهبرى خلافت را به عهده گرفت و سرانجام در سوم جمادى الاول سال 1322 ه.ق(1817 م)در شهر سوکوتو پایتخت خلافت اسلامى دار فانى را وداع گفت و به دار باقى شتافت. آرامگاه شیخ در سوکوتو الهام بخش مسلمانان بوده و یادآور دوران عزت و عظمت اسلام در نیجریه مى‏باشد.

نحوه زندگى شیخ در طول حیاتش بسیار ساده بوده است و همواره تلاش مى‏کرد که زندگیش هم سطح ضعفا و مستمندان باشد و حتى در دوران تشکیل حکومت نیز هرگز خود را آلوده به ذخارف دنیایى نکرد و همچون گذشته به زندگى ساده خود ادامه داد.یکى از دلائل عمده موفقیت شیخ را در طول حیاتش باید همین زندگى زاهدانه‏اش دانست.شیخ در ضمن رهبرى قیام اسلامى سوکوتو و برپایى خلافت، هرگز امر آموزش و تبلیغ را فراموش نکرد و حدود بیش از 100 کتاب در جمیع علوم دینى اعم از فقه، سیاست و تصوف به رشته تحریر درآورد.کتابهاى او به سه زبان عربى، فول فودى و هاوساست، و تاکنون تعداد 88 کتاب به زبان عربى از او ثبت شده است.مشهورترین کتاب شیخ عثمان بن فودى کتاب بیان وجوب الهجرة على العباد و بیان وجوب نصب الامام و اقامة الجهاد مى‏باشد.این کتاب بیانگر طرح کلى اندیشه‏هاى شیخ عثمان بن فودیو در باب حکومت اسلامى است.این کتاب توسط شخصى به نام فتحى حسن المصرى استاد دانشگاه خرطوم سودان‏ مورد تحقیق قرار گرفته و ایشان با استناد به کتب خطى باقى مانده از نسخه اصلى، متن کتاب را تنظیم و به چاپ رسانده است که ترجمه انگلیسى متن نیز ضمیمه آن مى‏باشد.این کتاب با هزینه مالى دانشگاه خرطوم سودان و دانشگاه آکسفورد انگلستان به چاپ رسیده است.از دیگر کتب مهم شیخ عثمان بن فودى مى‏توان به کتابهاى الامر بموالات المؤمنین و النهى عن موالات الکافرین، نجم الاخوان، تنبیه الامة، الامر بالمعروف و النهى عن المنکر، احیاء السنة و اخماد البدعة، اصول الولایة و مشروطها، اصول العدل، تخذیر الاخوان اشاره نمود.کتب باقى مانده از شیخ عثمان بازگو کننده افکار و اندیشه‏هاى اسلامى اوست ولى متأسفانه غبار زمان چهره افکار و اندیشه‏هاى او را در لابلاى کتب پوشانده است و مسلمانان به دلیل ضعف و انحطاطى که پس از حاکمیت استعمار بر شمال نیجریه بر آنها مستولى شده است نتوانسته‏اند آن گونه که باید و شاید از افکار و اندیشه‏هاى شیخ عثمان بهره جویند و این در حالى است که هر ساله مجالس بزرگداشت براى او بر پا مى‏دارند و مقام او را تجلیل مى‏نمایند و احیانا اگر هم صحبتى از افکار و اعمال شیخ باشد، در محیطهاى دانشگاهى و در غالب بحث علمى آکادمیک است که هیچ گونه تحرک زایى براى جامعه مسلمین ندارد البته متأسفانه باید گفت که در همین زمینه تحقیق علمى نیز، غیر مسلمانان از مسلمانان بهتر عمل کرده‏اند و انگلیسیها با ربودن آثار شیخ عثمان بن فودیو و انتقال این آثار به دانشگاه آکسفورد لندن، بهترین منبع را در اختیار دارند و نویسندگان انگلیسى تاکنون کتب زیادى راجع به خلافت اسلامى سوکوتو، شیخ عثمان بن فودیو و آثار او نوشته‏اند.یکى از کتبى که با دیدى محققانه و مستند ارائه شده است کتابى است به نام توسعه اسلام در غرب آفریقا نوشته Hiskeit نامبرده مدت 30 سال در دانشگاههاى شمال نیجریه تدریس مى‏کرده و کتبى راجع به آثار شیخ عثمان بن فودى نوشته است.

نویسندگان و آگاهان مسلمان، شیخ عثمان بن فودیورا با لقب«مجاهد»یاد مى‏کنند و برخى او را مجدد اسلام در غرب آفریقا در قرن سیزدهم هجرى مى‏دانند و او را به عنوان احیاگر اسلام راستین مى‏ستایند.به عنوان نمونه به نقل پیشگفتارى از کتاب شیخ عثمان دن فودیو نوشته الحاجى شهوشاگارى- رئیس جمهورى نیجریه در خلال سالهاى 1979 الى 1984 م-مى‏پردازیم:«شیخ عثمان معمار خلافت سوکوتو و چهره بزرگ تاریخ غرب آفریقاست.وى در سال 1754 م، در ناحیه سوکوتو به دنیا آمد و در سن بیست سالگى عملا دعوت خود را شروع کرد(1774) وى رهبرى روحانى، نویسنده‏اى توانا و مجاهدى خستگى ناپذیر بود.تعلیماتش نو بود و آثارش زیاد و با نفوذ، که بیشتر آنها هم به عربى نوشته شده است. شیخ عثمان بن فودیو الهام آور یک حرکت و نهضت بود و توانست در ذهن و عمل پیروانش یک جامعه ایده آل اسلامى را که داراى جهاد، عدالت و حکومت باشد، ترسیم نماید.زندگى و مبارزه وى براى مسلمانها منبع انرژى و الهام بوده و هست.چهره واقعى و حقیقى شیخ عثمان متأسفانه براى اکثر مردم نیجریه گمنام و ناشناخته باقى مانده و کسانى هم که درباره این شخصیت قلمفرسایى کرده‏اند، سعى بر آن داشته‏اند که وى را به جاى«مجاهد»، «مجدد»توصیف نمایند، در صورتى که وى قبل از هر چیز یک«مجاهد»بود و تفاوت این دو بسیار زیاد است.دامنه نفوذ خلافت و تعلیمات وى سرتاسر سرزمینهاى«هاوسا»زبان از قبیل کامرون، قسمتى از بنین، مناطقى از جمهورى نیجر و مالى و منطقه شمال نیجریه از قبیل کانو، کادونا و سوکوتورا فرا گرفت.

وى علما، رهبران و سیاستمداران زیادى را در غرب‏

آفریقا تحت نفوذ خود قرار داد.معمار خلافت سوکوتو، سعى مى‏کرد که یک رهبر باشد و کارش جهاد و تبلیغ و ترویج اسلام، نه یک خلیفه نشسته بر مسند حکومت. بعد از وى پیروانش رو به ضعف و سستى رفتند و استعمار هم از طرف دیگر در حال قوت گرفتن، تا اینکه سرانجام پس از صد سال خلافت سوکوتو به زانو درآمد و استعمار پلید حاکمیت یافت.»-البته اینها نوشته فردى است مسلمان که خود در زمان حاکمیتش هرگز قدمى در راه شیخ عثمان ننهاد و از استعمارگران انگلیسى بالفظ ارباب یاد مى‏کرد و حکومتش فاسد و در خدمت استعمار بود.فاعتبروا یا اولى الابصار!-برادر شیخ عثمان، عبد الله بن نورى نیز همچون شیخ پس از کسب علم دین همراه برادر به مبارزه و جهاد پرداخت و در تمام مراحل زندگى شیخ او را همراهى کرد و در خلافت اسلامى سوکوتو سمت نخست وزیرى را به عهده گرفت.وى نیز در طول حیاتش کتب بسیارى نوشته است که تاکنون 60 کتاب به زبان عربى از او ثبت شده که در موضوعات مختلف دینى و اجتماعى و ادبیات عرب به رشته تحریر درآمده است.از مشهورترین کتب او دو کتاب تزیین الوزقات و سبیل النجاه است.

شرح قیام اسلامى به رهبرى شیخ عثمان دن فودیو

شیخ عثمان دن فودیو وظیفه دینى تبلیغى خود را حوالى سال 1190 ه.ق در سرزمین‏هاى شمالى نیجریه شروع کرد.وى همانند دیگر علماى دینى آن زمان براى اجراى وظیفه تبلیغى خود به همه جا سرکشى کرد و از منطقه‏اى به منطقه دیگر مى‏رفت شیخ بیشترین همت خود را صرف دعوت فقرا و مستضعفین کرد، و روستاها پایگاه تبلیغى او بودند.بر اثر تبلیغات شیخ مردم فوج فوج به سوى او رو مى‏آوردند و وارد جمعیت او مى‏شدند.پس از روى آوردن مردم به شیخ، شیخ مبارزات تبلیغى خود را وارد مرحله جدیدى کرد و آن اجراى امر به معروف و نهى از منکر در جامعه بود. در این مرحله شیخ خصوصا پادشاهان و حکام محلى را مورد خطاب قرار مى‏داد و از آنها مى‏خواست که طبق موازین شرعى عمل نموده و به اقامه عدل و قسط در میان مردم بپردازند.قدرت و نفوذ روز افزون شیخ و جمعیتش و دعوت به امر به معروف و نهى از منکر باعث شد که پادشاهان و حکّام محلى، شیخ را خطرى براى سلطه خود پندارند و به همین دلیل در صدد برآمدند تا شیخ را به قتل رسانند.

قوى‏ترین سلطان آن ناحیه یونفا پادشاه گوبر gobir بود پادشاهان و حکام محلى دیگر از او اطاعت مى‏کردند.وى با قصد به قتل رساندن شیخ، او را به عنوان بحث و مذاکره به قصر خود دعوت کرد(در سال 3-1802 م/17-1216 ه.ق)پس از آمدن شیخ به قصر سلطان، سلطان در پى اجراى نقشه خود براى به قتل رساندن شیخ برآمد اما نقشه او به خوبى اجرا نشد و شیخ جان سالم از این معرکه به در برد.شیخ عبد اللّه الفودى برادر شیخ عثمان دن فودیو که در این ماجرا همراه شیخ بود، در کتاب تزئین الورقات جریان را بدین صورت شرح داده است.«سلطان فرستاده‏اى به سوى شیخ فرستاد و پیغام داد به نزد ما بیا، ما پیش او رفتیم، سلطان قصد هلاک ما را کرده بود ولى خداوند تسلط او را بر ما نخواست.

هنگامى که ما وارد قصر او شدیم او به سوى ما آمد و ما سه نفر بودیم.شیخ، من و عمر الکموى صدیقه، او با اسلحه به طرف ما آتش گشود تا ما را هلاک نماید اما آتش به سوى او بازگشت و نزدیک بود او را هلاک نماید.ما ناظر این جریان بودیم و هیچ کدام از ما حرکتى نمى‏کرد.سلطان به عقب فرار کرد.بعد از مدتى نزد ما آمد و نزدیک ما نشست و گفت، بدانید در زمین هیچ دشمنى مثل شما براى من وجود ندارد و دشمنى‏اش را براى ما شرح داد.ما در جواب گفتیم که ما از او نمى‏ترسیم و خداوند قدرتى براى تسلط بر ما به او نداده است.سلطان گفت، چگونه خداوند اجازه داده است که این سخن را بگوئید؟»پس از این برخورد بین سلطان و شیخ و شکست سلطان در به هلاکت رساندن شیخ، سلطان در صدد برآمد طرح دیگرى را براى کنترل حرکت شیخ و جمعیتش در پیش گیرد، به همین منظور او قوانینى را جهت محدود کردن حرکت شیخ و پیروانش وضع نمود.شیخ محمد بللو فرزند شیخ عثمان دن فودیو در کتابش به نام انفاق المیسور در این باره مى‏گوید:«سلطان با مشاورانش جلسه مشورتى تشکیل دادند و پس از مشورت تصمیم گرفتند که از دعوت به سوى خدا توسط شیخ و پیروانش جلوگیرى نمایند و آنها را از وعظ و تبلیغ باز دارند.سلطان به طرفداران شیخ دستور داد که باید به دین آبا و اجدادى‏تان باز گردید، اما ما از این امور هراسى به خود راه ندادیم تا اینکه سلطان گوبر طى بیانیه‏اى تهدید آمیز مردم را به اجراى فرامین سه گانه زیر امر نمود.

1-هیچ کس بجز شیخ عثمان حق ندارد مردم را موعظه نماید.2-هیچ کس حق ندارد خود را مسلمان بداند مگر اینکه آبا و اجدادش مسلمان باشند و هر کسى که ابا و اجدادش مسلمان نبوده است باید به دین آبا و اجدادیش باز گردد 3-از امروز هیچ کس حق ندارد که عمامه ببندد و هیچ زنى حق ندارد که سر و گردنش را بپوشاند.»پس از صدور این فرامین توسط سلطان علیه شیخ و طرفدارانش، شیخ و طرفدارانش از اجراى این فرامین سر باز زدند و بیش از پیش در اجراى موازین شرعى پاى‏فشارى نمودند.سلطان که مشاهده نمود شیخ و پیروانش نه تنها از اجراى فرامین سر باز زده‏اند بلکه پاى فشاریشان بر اجراى موازین شرعى بیشتر شده است، از شیخ خواست که جمعیتش را ترک نماید تا او بتواند در سایه زور مردم را به اجراى فرامین فوق وا دارد.شیخ در جواب این درخواست سلطان پاسخ داد که او هرگز جماعتش را ترک نخواهد کرد ولى حاضر است که همراه پیروانش از سرزمین تحت حاکمیت سلطان هجرت نماید.سلطان از این جواب شیخ به خشم آمد و به لشگریانش دستور داد که به پیروان شیخ حمله برند، لشگریان سلطان به پیروان شیخ حمله بردند و عده‏اى از آنها را به قتل رساندند و عده‏اى دیگر را به اسارت گرفتند.در این موقع بود که شیخ عثمان از پیروانش خواست تا از سرزمین گوبر هجرت نمایند. شیخ و جماعتش از سرزمین گوبر به غدو-مکانى در کشور نیجر کنونى-هجرت کردند، این هجرت در سال 1218 هجرى قمرى(1804 م)به پایان رسید.هجرت شیخ عثمان و جمعیتش فصل تازه‏اى را در این قیام تاریخى اسلامى گشود چرا که بلافاصله پس از این هجرت بود که مهاجران با شیخ عثمان دن فودیو با عنوان«امیر المؤمنین»بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر و جهاد در راه خدا بیعت کردند.و سر در گرو راه شیخ نهادند و بدین ترتیب پایه‏هاى خلافت اسلامى سوکوتو گذاشته شد.پس از این بیعت، شیخ و پیروانش خود را مسلح کرده و براى مقابله با دشمنان به آموزش فنون نظامى پرداختند و براى حفاظت از منطقه سکونت خود خندقى را در اطراف آن حفر کردند.پس از آمادگى نظامى پیروان شیخ، عده‏اى از ایشان به صورت گروههاى پراکنده نظامى به مناطق تحت فرمان سلطان گوبر حمله برده و ضرباتى را بر لشگریان سلطان وارد آوردند.پادشاهان و حکام محلى«کفار»که همگى از قدرت شیخ و پیروانش به وحشت افتاده بودند رو به درگاه سلطان آوردند و از او خواستند که براى سرکوبى شیخ و پیروانش چاره‏اى اندیشد.پس از مشورت، همگى آنها تحت فرماندهى سلطان گوبر لشگرى عظیم از لحاظ عدّه و عدّه فراهم کردند و براى سرکوبى شیخ و پیروانش وارد کارزار شدند.جنگى سخت بین آنها درگرفت و بالاخره شیخ و پیروانش با تکیه بر نیروى ایمان موفق شدند لشگریان سلطان را در هم شکنند و آنها را به هزیمت وا دارند.

این پیروزى نظامى شیخ و پیروانش در مقابله با لشگریان سلطان به آنها قدرت عظیمى بخشید و از این تاریخ بود(سال 1804 م)که شیخ با فتح سرزمین‏هاى مجاور دولتى را بر پایه کتاب خدا و سنت رسول ص بنیان‏گذارى نمود.دولتى که در تاریخ مسلمانان نیجریه به نام«خلافت اسلامى سوکوتو»ثبت شده است، چرا که سوکوتو پایتخت و مرکز دولت اسلامى شیخ عثمان دن فودیو بوده است.

سرزمینهایى را که شیخ عثمان توانست تحت سلطه حکومت اسلامى درآورد عبارت بودند از:قسمت اعظم سرزمین‏هاى شمالى سه کشور نیجریه، بنین و کامرون، جنوب کشور نیجر و شرق کشور بورکینا فاسو(ولتاى علیا)که جمعیت عمده این نواحى را مردم هاوسا و فولانى تشکیل مى‏دادند و زبان آنها هاوسا بود و بعد از هاوسا، زبان عربى زبان دوم آنها محسوب مى‏شد و اکثر مکتوبات و روابط تجارى آنان بر اساس زبان عربى بوده است.حروف الفباى زبان هاوسا نیز از زبان عربى گرفته شده و نوشته‏هاى هاوسا نیز شبیه عربى است و هم اکنون نیز لغات عربى فراوانى در زبان هاوسا یافت مى‏شود.

طرح شیخ عثمان دن فودیو براى تأسیس حکومت اسلامى، همانند طرح ولایت فقیه در تفکر شیعى بوده است.وى اعتقاد راسخ داشت که علماى دینى باید سرنوشت مسلمانان را به دست گیرند و به هدایت امور دنیوى و اخروى آنان بپردازند و بر مسلمانان واجب است که با اعلم علما، به عنوان«امیر المؤمنین» براى اجراى قوانین اسلامى در جامعه بیعت نمایند.

براى فهم نظریات شیخ عثمان دن فودیو، حول مسائل حکومتى و طرح او براى حکومت اسلامى لازم است تمام آثار و نوشته‏هاى او مورد ارزیابى و تحقیق قرار گیرد، چرا که نظریات شیخ عثمان دن فودیو به عنوان یک عالم سنى در رابطه با حکومت اسلامى مى‏تواند مورد دقت قرار گیرد.از طرفى احیاى طرح او براى حکومت اسلامى مى‏تواند مسئله تأسیس حکومت اسلامى را به عنوان یک واجب شرعى براى همه مسلمانان خصوصا برادران مسلمان اهل سنت مطرح سازد و با توجه به عظمت و نفوذى که شیخ عثمان دن فودیو در کشورهاى نیجریه، نیجر، کامرون، بنین و بورکینا فاسو دارد، آثار و نوشته‏هاى او خیلى زود و سریع در مردم این کشورها اثر خواهد گذاشت.

براى نمونه شیخ عثمان دن فودیو در کتاب نجم الاخوان خود درباره چگونگى تأسیس خلافت اسلامى سوکوتو چنین مى‏گوید:«همانا خداوند عز و جل در این زمان بر ما منت نهاد تا ما بتوانیم به بیان دین خدا بپردازیم و مردم را به عمل و به دین خدا دعوت نمائیم و آنچه را در دین خدا مباح است، بر شماریم و شبهات را از دین خدا دور سازیم.امر به معروف و نهى از منکر نمائیم و مردم را از عذاب الهى بترسانیم تا ترک معاصى نمایند و آنها را به پاداش الهى بشارت دهیم تا روى به سوى عبادت الهى آورند.پس از این مرحله بر ما واجب بود که دست به هجرت زنیم و پس از هجرت«امیر المؤمنین»تعیین نمائیم.و آنگاه خود را به آلات جهاد از قبیل اسب، تیر و کمان و نیزه، شمشیر و سپر و زره و کمربند، نیزه چندپر و پرچم مجهز نموده و روى به جهاد آوریم و-پس از تأسیس حکومت اسلامى-براى اداره امور به تعیین وزرا، فرمانده لشگر، خزانه‏دار، استانداران، نوشتن قانون، ارسال سفرا، به سوى ملوک، استخدام کارمندان، نصب قضات، مسئولین مرزدارى و امیر حج بپردازیم.»

با دقت در جملات فوق روشن مى‏شود که شیخ عثمان بر اساس آموزشهاى قرآنى و سنت نبوى سه مرحله را براى تاسیس حکومت اسلامى ترسیم کرده است.مرحله اول دعوت به اسلام و تبلیغ آن براى جمع آورى نیرو، مرحله دوم هجرت و جهاد براى تأسیس حکومت اسلامى، مرحله سوم تأسیس حکومت اسلامى و نحوه اداره آن، راهى را که شیخ عثمان بن فودیو براى تأسیس خلافت اسلامى سوکوتو طى کرد کاملا با مراحل سه گانه فوق توافق دارد و در حقیقت نوشته فوق مراحل سه گانه شکل گیرى خلافت اسلامى سوکوتو را بازگو مى‏کند.تطبیق این مراحل سه گانه با روشى که پیامبر ص براى تأسیس حکومت اسلامى طى نمود، حکایت از شناخت عمیق اسلامى شیخ عثمان دن فودیو دارد.

خلافت اسلامى سوکوتو از سال 1218 ه.ق (1804 م)پا به عرصه وجود نهاد و شیخ عثمان بن فودیو به عنوان«امیر المؤمنین»رهبرى مسلمانان را به دست گرفت.وى توانست ناحیه وسیعى از آفریقاى غربى را تحت تسلط خلافت اسلامى سوکوتو درآورد و قوانین اسلامى را در این سرزمین به اجرا گذارد و با بهره گیرى از مدل حکومتى زمان حضرت رسول ص خلافت اسلامى سوکوتو را شکل داده و به ثبات سیاسى برساند.برادر شیخ عثمان به نام شیخ عبد اله الفودى که او هم عالمى دینى بود در تمام مراحل جهاد همراه او بود و در خلافات اسلامى سوکوتو مقام نخست وزیرى را به عهده داشت.پس از مرگ شیخ عثمان دن فودیو مسلمانان با فرزند او به نام شیخ محمد بللو بیعت نمود. و وى به عنوان«امیر المؤمنین»رهبرى خلافت اسلامى سوکوتو را پس از پدر به عهده گرفت.

3-طرح کلى اندیشه‏هاى شیخ عثمان در باب حکومت اسلامى

. طرح کلى اندیشه‏هاى شیخ عثمان دن فودیو را در باب حکومت اسلامى در کتاب بیان وجوب الهجرة على العباد، و بیان وجوب نصب الامام و اقامة الجهاد مى‏توان بازیافت.این کتاب به زبان عربى به رشته تحریر درآمده است شامل 63 فصل مى‏باشد و شیخ عثمان دن فودیو در این کتاب تلاش دارد که با استناد به آیات قرآنى و احادیث نبوى تأسیس حکومت اسلامى را به عنوان یک واجب شرعى اثبات نماید و آن چنان که از نام کتاب هم بر مى‏آید، وى تأسیس حکومت اسلامى را مشروط به طى سه دوره مى‏داند.دوره اول هجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام، دوره دوم انتخاب و نصب امام و بیعت با او پس از هجرت، دوره سوم جهاد با کفار و مشرکان براى تأسیس حکومت اسلامى.شیخ عثمان در فصول کتاب به شرح و بسط این سه دوره پرداخته است که ما براى دریافت اندیشه شیخ در باب حکومت اسلامى بطور اختصار و گذرا در زیر بدان اشاره مى‏کنیم.

فصل اول کتاب با عنوان فى وجوب الهجرة من بلاد الکفر شروع مى‏شود، در این فصل شیخ با استناد به کتاب و سنت و اجماع، ضرورت هجرت از سرزمین کفر به سوى سرزمین اسلام را مطرح مى‏سازد و تا فصل پنجم کتاب به شرح و بسط این موضوع مى‏پردازد و در همین رابطه است که در فصل چهارم از«تحریم موالاة الکافرین»و در فصل پنجم«فى وجوب موالاة المؤمنین» سخن مى‏گوید و در ادامه در فصل ششم تحت عنوان «فى وجوب نصب الامام و وجوب طاعته و تحریم الخروج عنه و عزله الا بکفر»به شرح ضرورت تعیین امام و رهبر براى جامعه اسلامى و اطاعت از او مى‏پردازد و خروج علیه امام و رهبر جامعه اسلامى را حرام دانسته و عزل او را فقط در صورت کافر شدن جایز مى‏داند.از آنجا که این فصل و چند فصل بعدى اساس تفکر شیخ عثمان بن فودیو را در باب تشکیل حکومت اسلامى تشکیل مى‏دهد ما به مناسبت، به نقل ترجمه قسمتهایى از این فصول مى‏پردازیم.شیخ در فصل ششم در مورد نصب امام براى جامعه مسلمین مى‏فرماید:«من مى‏گویم و توفیق از خداست، پس بدان که نصب امام براى مسلمین شرعا و اجماعا واجب است.عبد السلام بن ابراهیم اللقانى در «اتحاف المرید شرح جوهرة التوحید»ذیل شعر

و واجب نصب امام عدل

بالشرع فاعلم لا بحکم العقل

(تعیین امام عادل واجب است.بدان بر اساس قاعده شرع نه با حکم عقل)گفته است.منظور تعیین و نصب امام است و این خطابى است به امت اسلامى از زمان مرگ پیامبر ص تا روز قیامت، پس اگر اهل حل و عقد به اقامه این امر برخاستند، تکلیف از دیگران ساقط مى‏شود و در اجراى این امر فرقى در زمان فتنه و غیر آن نیست، و این است مذهب اهل سنت...و هنگامى که امامت گفته مى‏شود، همانند خلافت است، و آن ریاست و رهبرى عامه مسلمین در امور دینى و دنیاییشان به نیابت از جانب پیامبر ص مى‏باشد.

و اللقانى در معناى بالشرع گفته است، معناى آن این است که وجوب نصب امام براى امت بر اساس شرع نزد اهل سنت پذیرفته است...و براى برپایى آن صحابه (رضى الله عنهم)اجماع دارند بطورى که آنرا از اهم واجبات دانسته و از زمان دفن پیامبر ص بدان مشغول شدند، و باید این چنین باشد پس از مرگ هر امامى تا زمان ما و اختلاف ایشان(صحابه)در اینکه چه کسى براى خلافت شایسته است جداى از اتفاق ایشان بر وجوب نصب خلیفه بوده است و به همین دلیل هیچ کدام از آنها نگفته است که احتیاجى به امام نیست.

شیخ در ادامه این فصل به شرح لزوم اطاعت از امام و رهبر جامعه پرداخته و با استناد به قرآن و حدیث آنرا وظیفه شرعى هر مسلمانى مى‏داند و خروج و قیام علیه امام مسلمین را عملى حرام و خلاف شرع مى‏شمارد، آنگاه در پایان اظهار مى‏دارد که عزل امام تنها در صورتى ممکن است که او به کفر گرائیده باشد و فسق و فجور امام نمى‏تواند دلیلى بر عزل او باشد.

باید گفت متأسفانه یکى از نقطه ضعفهاى نوشته شیخ همین است که او هم به دنباله روى از دیدگاه سنتى اکثریت علماى اهل سنت، قیام و خروج علیه امام فاسق و جائر را جایز ندانسته و اطاعت از چنین امامى را بر مسلمین فرض و واجب دانسته است.اما شیخ در فصل هفتم تحت عنوان«فى شروط الامام»تا حدودى این ضعف را جبران نموده است، چرا که اگر واقعا این شرایط براى تعیین امام رعایت شود احتمال کمى وجود دارد که امام از مسیر اسلام خارج شده و به فسق و فجور گراید.شیخ در ابتداى این فصل، در بیان شروطى که امام و رهبر جامعه باید داشته باشد، مى‏گوید:«من مى‏گویم و توفیق از خداست، بدرستى که شرایطى که امام باید داشته باشد یازده‏تاست آن چنان که در [کتاب‏]ضیاء الخلفا آمده است.اول مسلمان باشد، پس بنابر اجماع کافر نمى‏تواند باشد.دوم عادل باشد، براى اینکه فاسق اسیر هوى و هوس شده و تجاوزگرى پیشه کرده و حقوق مردم را ضایع مى‏نماید.سوم مرد باشد.چهارم آزاد باشد.پنجم بالغ باشد.ششم عاقل باشد.هفتم اینکه مجتهدى در اصول و فروع دین باشد اگر یافت شود و گرنه مقلدى مثل او باشد.هشتم شجاع باشد که هرگز از برخورد و مقابله با دشمن و اقامه حدود الهى ضعف به خود راه ندهد.نهم داراى رأى و شعور سیاسى و تدبیر در امور باشد و در موقع لازم سختگیر و آسانگیر باشد.دهم بر اجراى حکمش قادر باشد.یازدهم لازم است که امام اعظم قریشى باشد اگر شرایط قبلى را دارا باشد، و گرنه باید کنعانى باشد، و گرنه کسى از ولد اسماعیل، پس اگر چنین یافت نشد عجمى مى‏تواند باشد.تمام.در ادامه این فصل شیخ به نقل قول از چند عالم درباره شروط مزبور و اختلاف نظر آنها در این باره مى‏پردازد و در انتها روى این موضوع که امام تنها یک نفر مى‏تواند باشد و مسلمانان باید فقط سر در گرو یک امام داشته باشند، بحث مى‏کند.

در فصل هشتم کتاب تحت عنوان فى اساس الاماره شیخ اساس حکومت اسلامى را بر رعایت 5 اصل استوار مى‏داند که عبارتند از:1-واگذار نکردن حکومت به دوستداران آن 2-لزوم مشورت و تکیه بر مشاوره در امور حکومتى 3-سختگیر نبودن حکومت نسبت به زیر دستان 4 و 5-اجراى عدل و احسان در جامعه اسلامى توسط حکومت.

در فصل نهم تحت عنوان«فى ارکان الولایة»شیخ به شرح ستونهاى نظام اجرایى حکومت اسلامى مى‏پردازد و وجود چهار شخص با صفات نامبرده را در رأس نظام اجرایى حکومت اسلامى لازم مى‏داند.این چهار شخص عبارتند از:1-وزیر صادق و آگاه براى تنظیم امور مملکت 2-قاضى خدا ترس براى اجراى قوانین قضایى و برقرارى عدالت در جامعه و اقامه حدود الهى 3-رئیس پلیسى که ضامن گرفتن حق ضعیف از قوى باشد 4- رئیس اداره خراج و مالیات که بر رعیت ظلم ننماید.

در فصل دهم تحت عنوان«فى اقسام الولایة الشرعیة»نظام اجرایى حکومت اسلامى را باز نموده و سازمانهاى حاکم بر نظام را بر مى‏شمارد.وى اظهار مى‏دارد که علماى سابق، ارگانهاى نظام حکومتى را به 20 قسم تقسیم کرده‏اند که عین عبارات شیخ چنین است.«فاقول و بالله التوفیق، فاعلم ان اقسام الولایة الشرعیة قد قسمها العلماء کما قال ابن العربى فى الاحکام، و حصروها فى عشرین ولایة، و هى الخلافة العامة.و الوزارة، و ولایة القضاء و ولایة الحدود، و ولایة رد المظالم، و ولایة الجهاد، و ولایة قسم الغنیمة، و ولایة قسم الفئ، و ولایة الکتابة، و ولایة الحمى، و ولایة وضع الجزیة، و ولایة وضع الخراج، و ولایة حروب المصالح، و ولایة الصلاة، و ولایة الصدقة، و ولایة الحج، و ولایة الحسبة، و ولایة النقابة، و ولایة الاقطاع و ولایة الموات».وى در ادامه به شرح وظایفى که هر یک از این ارگانهاى حکومتى به عهده دارند مى‏پردازد و در حقیقت شیوه اجرایى حکومت اسلامى را ترسیم مى‏نماید و در فصل یازدهم در ادامه این بحث به چگونگى تعیین حکام بلاد و بیان شروطى که آنها باید با زیردستان خود داشته باشند مى‏پردازد.

در فصل دوازدهم تحت عنوان«فى ترغیب الناس فى الجهاد»با استناد به آیات قرآنى و احادیث نبوى و وجوب جهاد را براى پاسدارى از اسلام و حکومت اسلامى اثبات مى‏نماید و در فصول بعدى کتاب به تشریح انواع جهاد و مقاتله پرداخته و قوانینى را که باید در هنگام جهاد مراعات نمود، بر مى‏شمارد.شیخ در فصول پایانى کتاب(فصل پنجاه و هشتم تا شصت و سوم)به شرح سیره حضرت رسول(ص)و خلفاى بعد از او، ابو بکر، عمر، عثمان، امام على ع و امام حسن ع مى‏پردازد تا از این طریق چهره حکومت اسلامى صدر اسلام را براى مسلمانان به عنوان الگو و نمونه زنده سازد و آنها را به پیروى از آن دعوت نماید.

5-خلافت اسلامى سوکوتو پس از مرگ شیخ عثمان، ادامه و سرانجام آن:

پس از وفات شیخ عثمان دن فودیو در سال 1322 ه.ق(1817 م)مردم با فرزند او شیخ محمد بللو به عنوان«امیر المؤمنین»بیعت کردند و وى رهبرى خلافت اسلامى سوکوتو را به عهده گرفت.وى که در دامان پدرش تربیت شده بود و عالمى دینى بود تلاش نمود راه پدر را ادامه دهد.در زمان وى خلافت اسلامى سوکوتو توسعه یافت و سرزمینهاى جدیدى به خلافت اسلامى سوکوتو پیوستند.شیخ محمد بللو همچون پدر و عمویش اهمیت فراوانى به وعظ و تبلیغ مردم مى‏داد و در ضمن حکومت هرگز رسالت تبلیغى خود را فراموش نکرد و بیش از هشتاد جزوه و کتاب به رشته تحریر درآورد که تاکنون 78 کتاب به زبان عربى از او ثبت شده است.از جمله کتب او مى‏توان به سه کتاب مشهور انفاق المیسور فى التاریخ بلاد التکرور، التنبیهات الواضحات و تنبیه الصاحب على الاحکام المکاسب اشاره کرد.شیخ محمد بللو تا سال 1342 ه.ق(1837 م)که وفات یافت رهبرى خلافت اسلامى سوکوتو را مدت بیست سال به عهده داشت.با اینکه محمد بللو پس از پدرش بهترین روش را در اداره و ادامه خلافت اسلامى سوکوتو داشت ولى متأسفانه دوره انحطاط خلافت اسلامى سوکوتو از زمان او شروع شد.بررسى علل و عوامل انحطاط خلافت اسلامى سوکوتو مى‏تواند به عنوان یک بحث تاریخى مورد دقت و توجه قرار گیرد چرا که نتیجه بحث مى‏تواند براى تمام حرکت‏هاى اسلامى جهان مفید باشد.بررسى عمیق این موضوع از حوصله این نوشته خارج است ولى بطور مختصر مى‏توان گفت که رشد روز افزون سرزمینهاى تحت سلطه خلافت اسلامى سوکوتو خوى توسعه طلبى را در برخى امراء و لشگریان به وجود آورد و بتدریج اینها به سوى اشرافیت کشیده شده، و از اخلاق اسلامى در حاکمیت به دور شدند بطورى که لقب«امیر المؤمنین»به«سلطان»تبدیل شد و شیخ محمد بللو را به این لقب ملقب ساختند که تا امروزه نیز با همین لقب از او نام برده مى‏شود.این گرایش به اشرافیت باعث شد که کاخ سازى براى سلطان و امیران بلاد شروع شود و خلاصه خلافت اسلامى سوکوتو در محتوا به سمت یک امپراتورى اشرافى تغییر جهت یابد و حکومتگران در خدمت دفاع از فئودالیسم حاکم در جامعه برآیند، به همین دلیل برخى از تاریخ نویسان از خلافت اسلامى سوکوتو به عنوان«امپراتورى فولانى»نام مى‏برند.

بعد از شیخ محمد بللو، سلطان ابو بکر اتى کواول از سال 1837 تا 1842، سلطان علیو بابا از سال 1842 تا 1859، سلطان آنى کوزوروکو از سال 1859 تا 1866 سلطان علیو کارامى از سال 1866 تا 1867 سلطان احمد و رفاعى از سال 1867 1867 تا1873، سلطان ابو بکر آتى کودوم از سال 1877 تا 1881، سلطان موآزو از سال 1877 تا 1881، سلطان عمرو از سال 1881 تا 1891، سلطان عبد الرحمان از سال 1891 تا 1902 و در سال 1902 سلطان الطاهر واحدو و رهبرى خلافت اسلامى سوکوتو را به دست داشته‏اند. با اینکه انحطاط خلافت اسلامى سوکوتو در طى زمان بیشتر شد و عملا تبدیل به یک دستگاه امپراتورى گشت و ظلم و تعددى امراى بلاد، خاطره سلاطین گذشته را در ذهن مردم زنده مى‏ساخت ولى چون سیستم حکومتى به نام خلافت اسلامى نامیده مى‏شد و چهره‏اى مذهبى داشت و بنیان گذار آن فردى چون شیخ عثمان بن فودیو بود، مورد قبول مردم بود و مردم اعمال حکومتگران را در واقع به نام اسلام قبول مى‏کردند و هرگز در مقابل ظلم و تعددى حکام بلاد و عواملشان اعتراض و عصیانى نمى‏کردند.اما در واقع حکومت، پشتوانه مردمى خود را از دست داده بود بطورى که در خلال سالهاى 1900 الى 1903 به ضعف کامل کشیده شده بود.از طرفى قیام اسلامى شیخ عثمان بن فودیو و بنیان گذارى خلافت اسلامى سوکوتو و ادامه آن در حالى صورت مى‏گرفت که قدرت استعمارى بریتانیا در سرزمین‏هاى جنوبى نیجریه روز به روز در حال گسترش بود و در کشور نیجر-که در شمال کشور نیجریه فعلى قرار دارد و در آن زمان همسایه شمالى خلافت اسلامى سوکوتو محسوب مى‏شد-نیز انگلیس‏ها توسط کمپانى سلطنتى نیجر-نظیر کمپانى هند شرقى در هند-که رسما کمپانى ملى آفریقائى نامیده مى‏شد، در حال تسلط بخشیدن قدرت خود بر این کشور بودند، به این ترتیب خلافت اسلامى سوکوتو از جنوب و شمال توسط انگلیسى محاصره شده بود.انگلیس‏ها ابتدا تلاش نمودند از طریق تجارت و داد و ستد خصوصا توسط کمپانى سلطنتى نیجر در خلافت اسلامى سوکوتو نفوذ نمایند.بدین خاطر تلاش نمودند با فرستادن افراد خود به نزد سلطان سوکوتو و امراى او باب داد و ستد و معامله را باز نمایند، از طرفى کوشش کردند که با ارتباط بیشتر با امراى تحت فرمان سلطان سوکوتو و وعده پشتیبانى دادن به آنها، آنان را علیه سلطان سوکوتو به شورش و عصیان وا دارند و آنها را به داشتن حکومت مستقل تشویق نمایند ولى هیچ یک از امرا حاضر نشدند سر از اطاعت سلطان سوکوتو بازتابند.پس تمام تلاش خود را صرف نفوذ اقتصادى در خلافت اسلامى سوکوتو نمودند و بتدریج توانستند جاى پاى خود را در خلافت اسلامى باز کنند.سلطان سوکوتو آنها را بازرگان پنداشت که براى انجام خرید و فروش به این سرزمین آمده‏اند بنابراین به آنها اجازه داد تا با مردم داد و ستد نمایند، البته تمام این داد و ستدها تحت نام کمپانى سلطنتى نیجر صورت گرفت.بالاخره بر اثر ارتباط تجارى بین خلافت اسلامى سوکوتو و کمپانى سلطنتى نیجر، در سال 1885 اولین قرارداد رسمى تجارى بین سلطان عمرو و جوزف تامپسون انگلیسى از طرف کمپانى ملى آفریقائى(کمپانى سلطنتى نیجر)منعقد شد.طبق این قرارداد کمپانى سلطنتى نیجر(و در حقیقت انگلیسى‏ها)اجازه یافت که در سرتاسر سرزمین خلافت اسلامى سوکوتو به معامله بپردازد و هر تعدادى را که نیاز دارد وارد این سرزمین سازد و در عوض قرار شد که کمپانى هر ساله مقدارى خوار و بار به ارزش سه هزار بسته صدف-ارزش پولى آن زمان-به سلطان سوکوتو اهدا نماید.این قرارداد در حقیقت مجوز ورود انگلیسى‏ها به سرزمین اسلامى براى اجراى نقشه‏هاى پلید استعماریشان بود.انگلیسى‏ها در سایه این قرارداد توانستند براحتى عوامل خود را در سرزمین اسلامى رخنه دهند و روز به روز بر نفوذ خود بیفزایند.

در سال 1890 م قرار داد دیگرى بین سلطان عمرو و کمپانى سلطنتى نیجر بسته شد، طبق این قرارداد امنیت تمام انگلیسى‏هایى که در سرزمین خلافت اسلامى به امر تجارت مشغول بودند تضمین گردید و به این ترتیب انگلیسى‏ها با خیال راحت مى‏توانستند به هر جا که مى‏خواهند مسافرت نمایند و تحت پوشش امور تجارى، اهداف خود را به پیش برند. در سال 1897 م کمپانى سلطنتى نیجر رسما توانست شعب خود را در سرزمین خلافت اسلامى سوکوتو باز نماید که در حقیقت باید گفت این دفاتر، مراکز نفوذ و سلطه انگلیسى‏ها بر سرزمین خلافت اسلامى سوکوتو بودند.ضعف و انحطاط درونى خلافت اسلامى سوکوتو از یک سو و توسعه طلبى دولت استعمارى بریتانیا از سوى دیگر، باعث شد که در سال 1900 به دولت استعمارى بریتانیا پس از تصرف کامل مناطق جنوبى نیجریه براى تصرف مناطق شمالى(سرزمین خلافت اسلامى سوکوتو)وارد عمل شود.(در خلال سالهاى 1900 و 1901 م)انگلیسى‏ها مناطق کونتاکورا، نوپى، بورکو، ایلورین، کاباربیدا، زاریا و بنو را به زیر سلطه خود درآوردند.فرماندار انگلیسى وقت لرد لوگارد براى جذب سلطان عبد الرحمان نامه‏اى به او نوشت و از او خواست که به عنوان نماینده حاکمیت انگلیس در شمال، براى این مناطق امیر تعیین کند ولى سلطان از این درخواست سر باز زد و طى نامه‏اى به لرد لوگارد پاسخ داد که«بین ما و شما هیچ رابطه‏اى وجود ندارد مگر آنچه بین مسلمانان و کفار قرار دارد و آن چیزى جز جنگ که خداوند تعالى براى ما قرار داده است، نیست.»لرد لوگارد پس از دریافت این نامه براى تصرف سوکوتو قواى نظامى را به سوى این منطقه گسیل داشت.

لشگریان سلطان حدود شش ماه توانستند در مقابل قواى استعمارى مقاومت نمایند اما برترى قواى استعمارى از هر لحاظ بالاخره مقاومت لشگریان سلطان را در هم شکست و انگلیسى‏ها سوکوتو را در سال 1903 تصرف کردند.پس از تصرف سوکوتو، سلطان عبد الرحمان به عنوان اعتراض دست به هجرت به سوى مکه زد ولى عوامل استعمار او را در راه به قتل رساندند و به این ترتیب تمام سرزمینهاى خلافت اسلامى سوکوتو به زیر سلطه انگلیسى‏ها درآمد و خلافتى که در سال 1804 م به دست شیخ عثمان بن فودیو پایه گذارى شده بود در سال 1902 به دست انگلیسى‏ها برچیده شد و با پیوند شمال به جنوب کشور، نیجریه کنونى به وجود آمد و قسمتى از سرزمین‏هاى خلافت اسلامى سوکوتو نیز در کشورهاى نیجر و بنین کنونى قرار گرفت.

انگلیسى‏ها پس از تصرف شمال-خلافت اسلامى سوکوتو-براى برقرارى حاکمیت خود کوشش کردند که نهادهاى سنتى اجتماعى سیاسى جامعه را حفظ کنند و از آنها در جهت منافع خود استفاده نمایند. به همین لحاظ پس از تصرف سوکوتو به نصب سلطان پرداختند و سلطان الطاهر و احمد را به عنوان سلطان سوکوتو تعیین کردند و به او اختیار دادند که همچون سابق به نصب امیران نواحى بپردازد ولى به این شرط که سلطان و امیران تحت نظر فرمانداران منصوب شوند و از طرف فرماندار کل انگلیس باشند.سلطان و امیران بلاد همچون سابق در کاخهاى سلطان و امیران زندگى مى‏کردند و خدم و حشم آنها نیز حفظ شده بود، توده مردم نیز اینها را ادامه خلافت اسلامى سوکوتو

مى‏پنداشتند و به آنها به دیده احترام مى‏نگریستند و از آنها فرمانبردارى مى‏کردند و براى رفع اختلافات محلى به ایشان مراجعه مى‏کردند.بدین ترتیب انگلیسى‏ها توانستند با اجراى این برنامه مردم را فریب دهند و به آسانى حاکمیت خود را در سرزمین‏هاى شمالى اعمال نمایند.سلطان الطاهر و احمد و تا سال 1915 م مقام سلطانى را داشت.

پس از وى به ترتیب سلطان محمد مى‏توراوى از سال 1915 تا 1934، سلطان محمد تام بارى از سال 1924 تا 1931، سلطان حسن از سال 1931 تا 1938 و سلطان ابو بکر ثالث از سال 1938 تا هم اکنون در این مسند قرار گرفتند.آخرین سلطان در سال 1938 یعنى در زمان حاکمیت استعمار انگلیس و با تائید آنها بر این مسند نشست و حتى پس از استقلال نیجریه نیز تغییر نکرد و مورد حمایت دولت نیجریه قرار گرفت.چونکه عملا سلطان و امیران او نقشى در مسائل سیاسى اجتماعى جامعه نداشته و ندارند و تنها به عنوان یک نهاد سنتى براى فریب توده مردم مسلمان حفظ شده است.نهادى که یادآور خلافت اسلامى سوکوتو به رهبرى شیخ عثمان بن فودیو است.نهادى که روزگارى در خدمت مردم بوده است ولى هم اکنون در خدمت رژیم حاکم و حقوق بگیر دولت است.البته باید گفت روزبروز از نفوذ اجتماعى این نهاد سنتى در بین مسلمانان کاسته شده است و هم اکنون مسلمانان آگاه هیچ گونه ارزشى براى این نهاد سنتى قائل نیستند.

6-اثر قیام اسلامى شیخ عثمان بن فودیو در دیگر نقاط آفریقاى غربى:

قیام اسلامى شیخ عثمان بن فودیو الهام بخش حرکت‏هاى اسلامى دیگرى در غرب آفریقا گردید و مسلمانان این ناحیه با اثر پذیرى از قیام اسلامى شیخ عثمان بن فودیو توانستند حکومتهایى شبیه خلافت اسلامى سوکوتو در دیگر نواحى آفریقاى غربى به وجود آورند.در سال 1810 شیخ احمد و بن حمادى با دنباله روى از شیخ عثمان توانست مردم مسلمان نواحى شمالى کشور کنونى نیجر را به حرکت درآورد و خلافتى اسلامى را در این ناحیه بر پا سازد که پایتخت آن شهر حمدواللى نامیده شد.هم چنین عالمى دینى به نام شیخ الحاجى عمر بن سعید الفوتى التیجانى که در سال 1835 به مدت دو سال در سوکوتو به سر برده تحت تأثیر آثار و نوشته‏هاى شیخ عثمان قرار گرفت. پس از برگشت به سنگال مرکزى در خلال سالهاى 1840 الى 1849 م به تأسیس مدرسه‏اى جهت تعلیم و تربیت اسلامى در دیاگوکو پرداخت.این مدرسه شامل دو قسمت بود.قسمت اول براى آموزش علوم دینى و قسمت دیگر براى آموزش صنعت و فنون نظامى.شیخ از این طریق توانست افراد فراوانى را جذب کند و به آنها آموزش دهد و بدین طریق در میان مسلمانان نفوذ نماید.استعمارگران فرانسوى از نفوذ شیخ عمر الفوتى وحشت کردند و قبائل و حکام محلى را علیه او بسیج مى‏کردند تا حرکت او را سرکوب نمایند.بعد از این جریان شیخ عمر الفوتى جهاد خود را علنى ساخت و به همراه پیروانش به جهاد مسلحانه علیه عوامل استعمار پرداخت و با شکست آنها توانست خلافت اسلامى را در ناحیه سنگال مرکزى تأسیس نماید.این خلافت پس از مرگ شیخ عمر الفوتى توسط استعمارگران فرانسوى و عمالشان در هم شکسته شد.

پى‏نوشتها:

(1).فودى در زبان فول فودى(زبان مردم قبیله فولانى)به معناى دانشمند است و چون خاندان شیخ عثمان همگى از علماى زمان خودشان بوده‏اند، این خاندان به این لقب مشهور گشته و شیخ عثمان نیز با همین لقب نامبرده شده است.کلمه دن نیز به معناى فرزند مى‏باشد.در زبان هاوسا«دن فودى»را بن فودیو تلفظ مى‏نمایند که هر دو به یک معناست.

(2).منطقه غلمى ناحیه‏اى در جنوب شرقى کشور.جمهورى نیجر فعلى در شمال نیجریه است.